

مالک نیست و اینک برادر تو خراج پنج پسر دار و گفت که کسی که جان
سپارد که چون مالک عالمی بگذارد خداوند که آتش زشتی که بر او
آورده ای تو آتش بدی که نسل ملک را ببارد و اندر امان رو
مالک آورد و بر او صیغه کرد و نور آخر می خیزد چنانکه خاندان او
آدمیت البتوت من آل غالب بکلمه فیما بین زفر تم و الحسین
این ملک تا بقدر انصره بسلازم که بیخ غایب آن انصافه فی الضمیر
و از آنجمله آنست که کوفه را خبا رکودید که بدین مراد علم تو نیز کرده بود
مگر یک سفر که آن را در صندوق نماده بود و فضل کرده چون بدین وفا
یافت آن سفر را پر و آن آورد در وی نوشته بود که پیغمبری در آن خراب
پر و آن آید که موی بگذار در دست و پای خود را بشوید و از آن میان
و مولد وی که باشد و بجز آنکه وی طریقه است و می کند که نیکان باشد
خداوندی تعالی را هر حالی هم که نیکو بندگی بکند که نیکو بندگی
روز قیامت پیشانی با دست با و با هم از اثر و نشو روشن و سفید
و از آنجمله آنست که هوس بن همنه که بد که خداوند تعالی اشعیا که از انبیا
نبی اسرائیل بود و می کرد که در میان قوم خود پیش خلیف پیش آن
زمان ترا بروی خویش روان سازم و مجد خدای تعالی گفت
و سبح و تقدیس و تهنیل وی کرد پس گفت ای آسمان گوش پیش
و ای زمین خاموش باش و ای کوه با دست ز می و هم آوازی کشید
که خدای تعالی میخواهد که باز نماید حال نبی اسرائیل را که نسبت خود را
پر و راننده

پر و راننده و از جهانیان برگزیده و بگراست خود مخصوص کرد انبیه
بعد از آن خدای تعالی خطاهای عتاب آهنگر زبان وی نیست
انقدر که خواست و در آنجا آن بود که من تقدیر کردم روز یکمین
و آسمان را می آفریدم که بنده را در غیر نبی اسرائیل نهم و ملک باقی
را از ایشان کرد و آنم و محلمان که وی سازم که چنانند که آن کوه سفید
و عزت را در جماعتی ختم که خوار باشند و قوت را بجماعتی از زانی
دارم که ضعیف و پیمقدار باشند و او انگیزی را بطلایقه و هم که
قتیر و نادار باشند از میان ایشان به پناهی بر آنم که
گفته های کور باشند و اگر در چشمهای کور را بینا سازد و آلهای
در غلاف را از غلاف بیرون آرد و مولد وی در ملک باشد و پیغمبری
وی طریقه و ملک وی شام بنده باشد متوکل برگزیده بدی را بنده
مکافات کند و لیکن محفوظ کند و در گذر اندر بر نوبت آن رحمت باشد
بگردید بر چهار بیان که آن با رنهند و بر جمعی که آن و عظیم در گنا را که
به پهلوی سپید و فر و خنده بگذرد از با و این وی سر اسخ
نفرینند و اگر فی های خشک را بر بر قدم سپرد از آنها او از برین
و در اهلیت وی نهم سابقان و صدیقان و شهداء و صلیان
را و است وی بعد از وی بجای رهنمای کشند امر معروف و نهی
کنند و نماز گذارند و زکوة دهند و بعبود و ناکت نبی باشند آن ختم
کرم چیزی را که آتش را کرده آید و لکم ذلک من فضلی انو سینه

King Saad

University